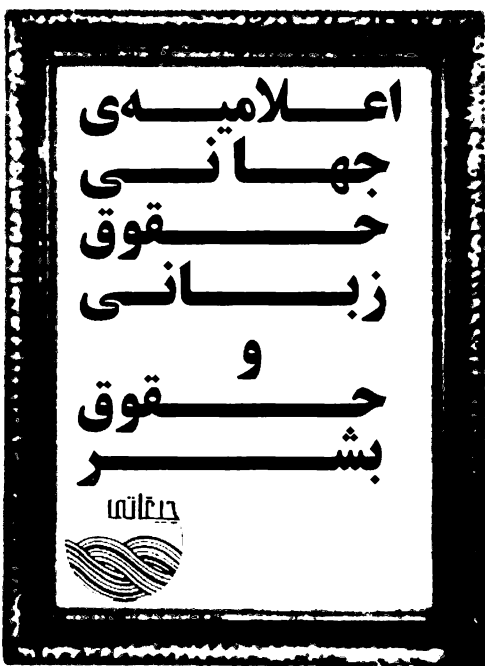
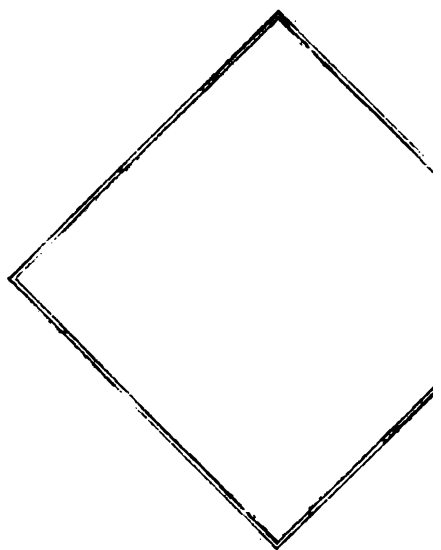


منشور جهانی حقوق زبانی و حقوق بشر

Türkün dili tək sevgili, istəkli dil olmaz,
Özgə dilə qatsan, bu əsil dil, əsil olmaz.
Öz şerini farsa ərəbə qatmasa şair,
Şeri oxuyanlar, eşidənlər kəsil olmaz.
Pişmiş kimi, şerin də gərək dad duzu olsun,
Kənd əhli bilir ki, doşabsız xəşil olmaz.
Sözlər də cəvahir kimi dir, əsli bədəldən,
Təşxis verən olsa bu qədər zir zibil olmaz.
Şair ola bilməzsən, anan doğmasa şair,
Missən, abalam, hər sarı köynək qızıl olmaz.
Ötməz oxumaz bülbülü salsan qəfəs içrə
Dağ daşda doğulmuş dəli ceyran həmil olmaz.
İnsan odu tutsun bu zəlil xalqın əlindən,
Allahı seversən, belə insan zəlil olmaz.
Çox da ki Sarab'ın suyu, var yağ balı vardır,
Baş ərşə də çatdırsa, Sarab Ərdəbil olmaz.
Millet qəmi olsa, bu çocuqlar çöpə dönməz,
Ərbablarımızdan da qarınlar təbil olmaz.
Məndən də nə zalim çıxar, oğlum, nə qisasçı,
Bir dəfə buni qan ki ipəkdən qəzil olmaz.
Düz vaxt da dolar taxta tabax ədviyə ilə,
Onda ki nənəm sancılanar zəncəfil olmaz.
Fars şairi çox sözlərini bizdən aparmış,
Sabir kimi bir süfrəli şair, pəxil olmaz.
Türkün məsəl fəlləri dünyada tələdir



حاضر لایان: حیثیتها
فیش ۲۰۰۹



آنا

دیلیمیزین

قایغی سین چکن

بوتون دیلداشلاریمیزا

سونولور

اعلامیه جهانی حقوق زبان

ترجمه: علی دده بیگلو

به مناسبت روز جهانی زبان مادری

مقدمات

مؤسسات و تشکیلات غیردولتی، امضاء کنندگان "بیانیه جهانی حقوق زبانی" حاضر، گردهم آمده از ۶ تا ۹ ژوئن ۱۹۹۶ در بارسلونا؛ با در نظر گرفتن "اعلامیه جهانی حقوق بشر" مورخ ۱۹۴۸، که در مقدمه اش اعتقاد خود را به "برابری حقوق پایه ای بشر، کرامت و ارزش افراد انسانی و حقوق برابر مرد و زن" بیان مینماید؛ و نیز در ماده دوم خود که اعلام میکند "همه افراد، بدون در نظر گرفتن "نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، دین، باورهای سیاسی و یا دیگر باورها، منشاء ملی و یا اجتماعی، مالکیت، محل تولد و یا خصوصیات دیگر"، دارای همه حقوق و آزادیها میباشند؛"

با در نظر گرفتن "عهدنامه بین المللی حقوق سیاسی و مدنی" ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ (ماده ۲۷)، و "عهدنامه بین



المللی حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی" به همان تاریخ، که در مقدمه های خود بیان مینمایند آحاد نوع بشر نمیتوانند آزاد شمرده شوند مگر آنکه شرایطی فراهم گردد که آنها را قادر به اعمال و بهره برداری از هر دوی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی خود نماید.

با در نظر گرفتن "قطعنامه ۱۳۵-۴۷"، ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد که "بیانیه در حقوق افراد متعلق به اقلیتهای ملی، ائتنیکی، دینی و زبانی" را تصویب نمود؛

با در نظر گرفتن اعلامیه ها و توافقنامه های (کنوانسیونهای) مجمع اروپا مانند "کنوانسیون اروپائی برای حفظ حقوق بشر و آزادیهای اساسی"، به تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۵۰ (ماده ۱۴)؛ "کنوانسیون شورای وزیران مجمع اروپا" به تاریخ ۲۹ ژوئن ۱۹۹۲، که "مقاله نامه (چارت) اروپائی برای زبانهای منطقه ای و یا اقلیتی" را تصویب نمود؛ "اعلامیه در باره اقلیتهای ملی" تهیه شده توسط نشست سران مجمع اروپا در تاریخ ۹ اکتبر ۱۹۹۳؛ و "کنوانسیون چهارچوب برای محافظت از اقلیتهای ملی" نوامبر ۱۹۹۴؛

با در نظر گرفتن "بیانیه انجمن بین المللی قلم در سانتیاگو د کومپوستلا" و "بیانیه ۱۵ دسامبر ۱۹۹۳ کمیته حقوق زبانی و ترجمه ای انجمن جهانی قلم، در رابطه با پیشنهادی برای برگزاری کنفرانسی جهانی در موضوع حقوق زبانی"؛

با در نظر گرفتن این امر که در شهر رسیف برزیل،



"اعلامیه ۹ اکتبر ۱۹۸۷ دوازدهمین سمینار انجمن بین المللی برای توسعه تفاهم و ارتباط بین فرهنگها"، به سازمان ملل متحد توصیه نمود که گامهای لازم را برای تصویب و اجرای اعلامیه جهانی حقوق زبانی بردارد؛

با در نظر گرفتن "کنوانسیون ۱۶۹ سازمان جهانی کار" مورخه ۲۶ ژوئن ۱۹۸۹ در باره مردمان بومی و طایفه ای در کشورهای مستقل؛

با توجه به "اعلامیه جهانی حقوق جمعی خلقها"، بارسلونا، می ۱۹۹۰، که اعلام نمود همه خلقها، در درون چهارچوبهای سیاسی متفاوت از حق افاده و توسعه فرهنگ، زبان و قواعد سازمان یابی خویش و در نهایت از حق پذیرش و دارا بودن نهادهای حکومتی، ارتباطاتی، تحصیلی و سیاسی خود برخوردار میباشند؛ با در نظر گرفتن "بیانیه نهائی پذیرفته شده در همایش عمومی فدراسیون جهانی معلمان زبان مدرن" در شهر پیچ (مجارستان) به تاریخ ۱۶ اگوست ۱۹۹۱، که به شناخته شدن رسمی حقوق زبانی به عنوان حقوق پایه ای انسانی توصیه نموده بود؛

با در نظر گرفتن "گزارش کمیسیون شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، ۲۰ آوریل ۱۹۹۴" در ارتباط با طرح "اعلامیه در حقوق خلقهای بومی" که به حقوق فردی در پرتو حقوق جمعی نظر میکند؛

با در نظر گرفتن طرح "بیانیه کمیسیون حقوق بشر بین آمریکائی در باره مردمان بومی"، مصوب نشست ۱۲۷۸ به تاریخ ۱۸ سپتامبر ۱۹۹۵؛



با در نظر گرفتن اینکه اکثریت زبانهای در خطر نابودی، متعلق به گروههای مردمانی میباشند که از حق حاکمیت ملی خود برخوردار نیستند و اینکه عوامل اصلی که از توسعه این زبانها ممانعت کرده و به روند جایگزینی زبانی دیگر به جای آنها شتاب میبخشند، عبارتند از نبود حکومتهای خودگردان آنها و سیاست دولتها، که ساختارهای سیاسی و اداری و زبان خود بر آنها را تحمیل مینمایند؛

با در نظر گرفتن اینکه حمله نظامی، مستعمره نمودن، اشغال و دیگر نمونه های به انقیاد در آوردن اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، اغلب اوقات شامل تحمیل مستقیم زبانی خارجی بوده و یا حداقل، تصورات موجود در باره ارزش و منزلت زبانها را خدشه دار نموده و موجب ایجاد آنچنان رفتارهای زبانی سلسله ای میگردند که وفاداری زبانی متکلمین به آنها را از بین میبرند؛

و با در نظر گرفتن اینکه زبانهای برخی از خلقهائی که حاکمیت ملی خود را بتازگی بدست آورده اند، متعاقبا و در نتیجه سیاستی که زبان قبلی قدرتهای استعماری و یا امپریالیستی را مقدم می شمارد، در روند جانشینی زبانی در میغلطند؛

با در نظر گرفتن اینکه جهانی شدن میبایست بر اساس تلقیای از تنوع زبانی و فرهنگی، غالب آمده که بر روندهای یکسانسازی و تجرید حذفی زبانها و فرهنگها، بنیاد گذارده شود؛

با در نظر گرفتن این نکته که به منظور تامین نمودن همزیستی صلح آمیز بین جمعیتهای زبانی، میبایست



اصولی عمومی یافت شوند که تشویق و ارتقاء موقعیت و احترام به همه زبانها و کاربرد اجتماعی آنها در محیطهای عمومی و خصوصی را تضمین نمایند؛

با در نظر گرفتن اینکه عوامل گوناگون با ماهیتهای غیرزبانی (عاملهای تاریخی، سیاسی، سرزمینی، جمعیت شناسی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و اجتماعی-زبانی و عوامل دیگر مربوط به رفتارهای جمعی) مسائلی را ایجاد میکنند که منجر به نابودی، به حاشیه رانده شدن و یا انحطاط زبانهای بیشمار میگرددند، و نیز برای اینکه بتوان راه حل های مناسبی برای هر مورد خاصی اعمال نمود، حقوق زبانی میبایست به طوری همه جانبه بررسی گردند؛

با اعتقاد به اینکه "اعلامیه جهانی حقوق زبانی"، به منظور تصحیح عدم توازنهای زبانی در پرتو تضمین احترام و توسعه کامل همه زبانها، و پایه گذاری اصولی برای صلح و برابری عادلانه زبانی در سراسر جهان به عنوان عاملی کلیدی در حفظ روابط اجتماعی موزون، مورد نیاز میباشد؛ بدینوسیله اعلام میدارد که؛

آغاز

موقعیت هر زبان، در پرتو ملاحظاتی که در زیر آمده اند، محصول تقارب و اندرکنش دامنه وسیعی از عوامل با ماهیتهای سیاسی و قانونی، ایدئولوژیک و تاریخی، جمعیتشناختی و قلمرو-سرزمینی، اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی، زبانشناختی و زبانی-اجتماعی، بین زبانی و ذهنی است.



در حال حاضر، این فاکتورها بدینگونه تعریف میشوند:
- تمایل دیرینه یکسان سازی اکثریت دولتها به کاهش
تنوع و تشویق رفتارهایی که بر ضد چندگانگی فرهنگی
و تکثر زبانی میباشند.

- سیر به سوی اقتصاد جهانی و بدنبال آن بازار جهانی
اطلاعات، ارتباطات و فرهنگ که باعث مختل گردیدن
محیطهای مناسبات مشترک و گونه های تاثیر متقابلی
که انسجام درونی جمعیتهای زبانی را تضمین مینمایند،
میشود.

- مدل رشد اکونومیسیستی پیشنهاد شده توسط
گروههای اقتصادی ماوراءملی، که خواهان یکی نشان
دادن کاهش کنترلهای دولتی با پیشرفت و فردیت
گرائی رقابتی بوده و باعث ایجاد نابرابریهای جدی و
فزاینده زبانی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی میگردد.

- جمعیتهای زبانی در عصر حاضر از سوی عواملی
مانند نداشتن حکومتهای ملی (خودگردان) خود، نفوس
محدود، و یا جمعیتی که به لحاظ جغرافیائی قسما و
یا کاملا پراکنده شده است، اقتصادی شکننده، زبانی
استانداردیزه نشده، و یا مدلی فرهنگی در ضدیت با
مدل فرهنگی مسلط، در معرض تهدید قرار دارند. این
عوامل، ادامه حیات و گسترش بسیاری از زبانها را عملا
غیرممکن میسازد مگر آنکه اهداف اساسی زیرین
ملحوظ شوند:

از دیدگاه سیاسی، هدف طراحی روشی برای سازماندهی
تکثر و تنوع زبانی به گونه ای که به مشارکت موثر
جمعیتهای زبانی در این مدل توسعه جدید اجازه دهد.



از دیدگاه فرهنگی، هدف تامین و ایجاد محیط ارتباطات جهانی‌ای سازگار با مشارکت برابر همه خلقها، جمعیت‌های زبانی و افراد در روند توسعه. از دیدگاه اقتصادی، هدف تشویق پایدار توسعه بر پایه مشارکت همه و بر اساس احترام به تعادل محیط زیست جوامع و در روابط برابر بین همه زبانها و فرهنگها. بنا به همه دلایل فوق الذکر، این اعلامیه مبداء حرکت خود را "جمعیت‌های زبانی" و نه "دولتها" قرار میدهد و میبایست به این اعلامیه در متن تقویت موسسات بین المللی قادر به تضمین نمودن توسعه برابر و پایدار همه جامعه بشری نگریست. به همین دلایل، همچنین از اهداف این اعلامیه، تشویق ایجاد چهارچوبی سیاسی برای تنوع زبانی مبتنی بر احترام، همزیستی هماهنگ و منافع متقابل میباشد.

عنوان مقدماتی: مفاهیم

ماده ۱

۱- این بیانیه "جمعیت زبانی" را بدین گونه تعریف مینماید: هر جامعه انسانی که به لحاظ تاریخی در "محیط سرزمینی" معینی، فارغ از به رسمیت شناخته شدن و یا نشدن آن، سکنی گزیده و خود را به عنوان یک توده با هویت واحد دانسته و زبان مشترکی را به عنوان وسیله ای طبیعی برای ارتباط و هم بندی فرهنگی بین اعضای آن توسعه داده است. تعبیر "زبان خاص یک سرزمین" (زبان نیاخاکی) به زبان جمعیتی که به شرح فوق در همچو محیطی سکنی گزیده باشد اطلاق میشود.



۲- این اعلامیه مبداء حرکت خود را بر این اصل قرار میدهد که حقوق زبانی در عین حال و یکجا، هم فردی و هم جمعی میباشند. در تعریف دامنه کامل حقوق زبانی، این اعلامیه مرجع خود را مورد یک جمعیت زبانی تاریخی، در محیط سرزمینی خود قبول مینماید. و آنچه از این محیط درک میشود، نه تنها گستره جغرافیائیای که جمعیت در آنجا زندگی مینماید، بلکه محیط اجتماعی و عملیای که برای توسعه و شکوفائی تمام و کمال یک زبان حیاتی است میباشد. تنها بر این اساس امکان دارد که حقوق زبانی گروههای ذکر شده در نقطه ۵ ام این اعلامیه و حقوق افرادی که در خارج سرزمین زبانی خویش میزیند را، برحسب پیوستگی و درجه بندی تعریف نمود.

۳- به منظور کاربرد در این بیانیه، گروههایی که دارای یکی از موقعیتهای زیر باشند نیز متعلق به یک جمعیت زبانی و ساکن در سرزمین خود شمرده میشوند:
الف- هنگامی که آنها از بدنه اصلی جمعیت خود توسط مرزهای اداری و یا سیاسی جدا شده باشند.
ب - هنگامی که در طول تاریخ، در منطقه کوچک جغرافیائیای محصور شده توسط اعضاء جوامع زبانی دیگر، تثبیت شده باشند.

ج- هنگامی که در منطقه جغرافیائیای که در آن با اعضاء جمعیتهای زبانی دیگری با سوابق تاریخی مشابه، سهیم و شریکند تثبیت شده باشند.

۴- این بیانیه همچنین مردمان عشایری کوچرو در مناطق قشلاق-بیلاق خودشان و همچنین مردمان



تثبیت شده در نواحی به لحاظ جغرافیایی پراکنده را به عنوان جمعیت‌های زبانی در سرزمین‌های تاریخی خود می‌پذیرد.

۵- این اعلامیه "گروه زبانی" را بدین شکل تعریف مینماید: هر گروه از اشخاص دارای زبان واحد، که زبانشان در محیط سرزمینی جمعیت زبانی دیگری تثبیت شده اما دارای سابقه تاریخی برابری با اشخاص جمعیت مهمان‌پذیر نبوده باشد. نمونه های این چنین گروه‌هایی مهاجرین، پناهندگان، اشخاص دیپورت شده و اعضای دیاسپورا می‌باشند.

ماده ۲

۱- این بیانیه اعلام میدارد که هرگاه گروه‌ها و جمعیت‌های زبانی گوناگون در سرزمین واحدی مشترک باشند، حقوق مندرجه در این اعلامیه میبایست بر اساس احترام متقابل و به گونه ای اعمال شوند که دمکراسی به حداکثر اندازه ممکنه تضمین گردد.

۲- در جستجو برای وصول به تعادل اجتماعی-زبانی رضایت بخش، به عبارت دیگر به منظور ایجاد هماهنگی مناسب بین حقوق مربوطه چنین جمعیت‌ها و گروه‌های زبانی و افراد متعلق بدانها، عوامل مختلفی - علاوه بر سوابق تاریخی مربوطه آنها در سرزمینها و مطالبات آنها که به روشهای دمکراتیک بیان شده اند- میباید در نظر گرفته شوند. اینچنین عواملی شامل ماهیت اجباری مهاجرت‌ها، که منجر به همزیستی جمعیت‌ها و گروه‌های مختلف میشود و همچنین درجه آسیب پذیری فرهنگی، اجتماعی-اقتصادی و سیاسی آنها میگردد.



ماده سوم

۱- این اعلامیه حقوق زیر را به عنوان حقوق شخصی غیرقابل سلبی که در هر گونه شرایط، امکان برخورداری از آنها وجود دارد، قبول مینماید:

- حق به رسمیت شناخته شدن شخص به عنوان عضوی از یک جمعیت زبانی؛

- حق شخص برای استفاده از زبان خود در مکانهای خصوصی و عمومی؛

- حق شخص برای استفاده از نام خود؛

- حق شخص برای ایجاد مناسبات و پیوند با دیگر اعضای جمعیت زبانی مبداء خود؛

- حق شخص برای حفظ و گسترش فرهنگ خود؛

- و همه حقوق دیگر مربوط به زبان که در "عهدنامه بین المللی حقوق سیاسی و مدنی ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶" و "عهدنامه بین المللی در باره حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی" به همان تاریخ به رسمیت شناخته شده اند.

۲- این بیانیه اعلام میدارد که حقوق جمعی گروههای زبانی، علاوه بر حقوق فوق الذکر که تک تک افراد عضو گروههای زبانی از آنها برخوردار میباشند، در تطابق با شرایط تشریح شده در بند ۲ شامل موارد زیر میباشد:

- حق گروههای زبانی برای آموخته شدن زبان و فرهنگشان؛

- حق گروههای زبانی برای دستیابی به خدمات فرهنگی؛

- حق گروههای زبانی برای حضور برابر زبان و فرهنگهایشان در رسانه های ارتباطی؛



- حق گروه‌های زبانی در دریافت توجه و اعتناء نهادهای حکومتی و در روابط اجتماعی-اقتصادی تهیه شده به زبان خود.

۳- حقوق فوق‌الذکر اشخاص و گروه‌های زبانی به هیچ طریقی نمیبایست مانع برقراری مناسبات متقابل بین اینگونه اشخاص و گروه‌های زبانی، با جمعیت زبانی مهمانپذیر و یا ادغامشان در آن جمعیت گردد. همچنین این حقوق نباید به محدود نمودن حقوق جمعیت مهمانپذیر و یا اعضاء آن در کاربرد زبان خود جمعیت در سراسر فضای سرزمینی آن زبان منجر شود.

ماده ۴

۱- این اعلامیه بیان‌میدارد اشخاصی که به سرزمین جمعیت زبانی دیگری رفته در آنجا ساکن میشوند حق دارند و موظف‌اند که نسبت به این جمعیت (مهمانپذیر) رفتاری همگرایانه از خود نشان دهند. آنچه از این بیان استنباط میشود تلاشی اضافی است از سوی اینگونه اشخاص برای انسیت با اعضاء جمعیت مهمانپذیر؛ به طرزی که در ضمن حفظ خصوصیات فرهنگی اصلی خویش؛ مراجع، ارزشها و گونه‌های رفتاری کفایای را با جامعه‌ای که در آن سکنی گزیده‌اند سهیم شوند. این امر آنها را قادر خواهد ساخت که به لحاظ اجتماعی و بدون مواجه شدن با مشکلاتی بیش از آنچه اعضاء جمعیت مهمان‌پذیر با آن مواجه‌اند، کاراً عمل نمایند.

۲- این اعلامیه، از سوی دیگر، بیان میکند که



یکسانسازی - آسیمیلاسیون، تعبیری به مفهوم اخذ فرهنگ جامعه میهمان پذیر به شکلی که خصوصیات فرهنگی اصلی، با مراجع، ارزشها و گونه های رفتاری جامعه میهمان پذیر جایگزین میگردند، به هیچوجه نباید تحمیلی و یا جبری بوده و تنها میتواند که محصول انتخابی تماما آزادانه باشد.

ماده ۵

این اعلامیه بر این اساس استوار است که حقوق تمامی جمعیت های زبانی مساوی و مستقل از موقعیت این زبانها به عنوان زبان رسمی، محلی و یا اقلیتی بودن میباشد. در این اعلامیه، تعبیراتی مانند محلی و یا اقلیتی بکار برده نشده اند زیرا - هرچند در بعضی موارد مشخص، شناسانی زبانها به عنوان اقلیتی و یا محلی میتواند احقاق برخی از حقوق معین را تسهیل نماید- با اینهمه، این و دیگر تعابیر جرح و تعدیل کننده، غالبا برای اعمال محدودیت بر حقوق جمعیت های زبانی بکار برده میشوند.

ماده ۶

این اعلامیه اعلام میکند که نمیتوان تنها بر این مبناء که یک زبان، زبان رسمی دولت است و یا به طور سنتی برای مقاصد اداری و یا برخی از فعالیتهای فرهنگی مشخص در یک سرزمین بکار رفته است، آنرا "زبان خاص سرزمین" بشمار آورد.



عنوان اول: اصول عمومی

ماده ۷

- ۱- همه زبانها بیان هویتی جمعی و راهی مجزا برای درک و توصیف واقعیت اند و بنابراین میبایست که از همه شرایط لازم برای گسترش و پیشرفتشان در همه نوع فعالیت و کارکرد برخوردار باشند.
- ۲- همه زبانها محصول آفرینش جمعی بوده و به عنوان ابزار همبستگی، تعیین هویت، ارتباط و افاده خلاق برای استفاده فردی در درون یک جمعیت، در دسترس همگان قرار دارند.

ماده ۸

- ۱- همه جمعیت‌های زبانی از حق سازماندهی و مدیریت منابع خویش، برای تضمین نمودن کاربرد زبانهایشان در همه فعالیتها در درون جامعه برخوردارند.
- ۲- همه جمعیت‌های زبانی محق اند که بر هرگونه وسائط لازمه ممکن برای تضمین نمودن انتقال و پیوستگی زمانی زبان خود دسترسی داشته باشند.

ماده ۹

- همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که سیستم زبانی خود را، بدون مداخلات اجباری و یا القائی، تنظیم و استانداردیزه نموده، حفظ، توسعه و ارتقاء دهند.

ماده ۱۰

- ۱- همه جمعیت‌های زبانی دارای حقوق برابرند.
- ۲- این اعلامیه تبعیض بر علیه جمعیت‌های زبانی را



غیرقابل قبول میدانند، فارغ از آنکه این تبعیض بر مبنای درجه حاکمیت سیاسی مستقل جمعیت زبانی؛ موقعیت تعریف شده آن جمعیتها از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و یا دیگر لحاظها؛ درجه استانداردیزه شدن، مدرنیزاسیون و یا به روز شدگی زبانهایشان و یا هر معیار دیگری اعمال گردد.

۳- همه گامهای ضرور برای تحقق اصل برابری و به جا آوردن موثر آن میبایست برداشته شوند.

ماده ۱۱

همه جمعیتهای زبانی از حق دستیابی به و استفاده از همه وسائط ترجمه به دیگر زبانها و یا ترجمه از دیگر زبانها، که برای تضمین نمودن اعمال و برخورداری از حقوق ذکر شده در این اعلامیه ضروری باشند، برخوردارند.

ماده ۱۲

۱- هر کس حق دارد که کلیه فعالیتهای خود را در محیطهای عمومی به زبان خویش به جا آورد؛ به شرط آنکه آن زبان، "زبان خاص سرزمینی" محلی باشد که وی در آن ساکن است.

۲- هر کس حق دارد که زبان خود را در محیطهای شخصی و خانوادگی بکار برد.

ماده ۱۳

۱- هر کس حق دارد که زبان خاص سرزمینی (زبان نیاخاکی) خود را که در آن زندگی میکند بیاموزد.



۲- هر کس حق دارد که چند زبانه شود و بر اساس تضمیناتی که در این اعلامیه برای کاربرد عمومی زبان خاص سرزمینی (زبان نیاخاکی) تثبیت شده اند، و بدون هیچ گونه پیشداوری، مناسبترین زبانی را که موجب پیشرفت شخصی و یا تحرک اجتماعی وی میگردد آموخته و بکار برد.

ماده ۱۴

تدابیر این اعلامیه نمیتوانند به طرزى تفسیر شوند و یا بکار روند که به نرمها و یا رویه های عملی ناشی از موقعیت داخلی و یا بین المللی یک زبان - که برای کاربرد آن زبان در سرزمین خود مناسبتر میباشند- زیان برسانند.

عنوان دوم: رژیم جامع زبانی

بخش اول: ادارات دولتی و نهادهای رسمی

ماده ۱۵

۱- همه جمعیتهای زبانی حق دارند که در سرزمین- قلمرو خود به طور رسمی بکار برده شوند.
۲- همه جمعیتهای زبانی از این حق برخوردارند که تمام اسناد اداری، مدارک شخصی و دولتی و قیدیات محضرهای عمومی ثبت شده به زبان خاص سرزمینشان (زبان نیاخاکیشان)، معتبر و قابل اجراء شناخته شوند. و هیچ کس و مقامی نمیتواند تظاهر به نادیده گرفتن و بیخبری از این زبان بنماید.



ماده ۱۶

همه اعضای یک جمعیت زبانی حق دارند که با مقامات دولتی به زبان خویش ارتباط برقرار کرده و اعتناء متقابل در زبان خود را از آنها دریافت کنند. این حق همچنین بخشهای مرکزی، سرزمینی، محلی و تقسیمات فرمانطقه ای، شامل سرزمینی که زبان مورد نظر، زبان خاص نیاخاکی آن میباشد، را فرامیگیرد.

ماده ۱۷

۱- همه جمعیتهای زبانی از این حق برخوردارند که به همه اسناد و مدارک رسمی که به نحوی مربوط به سرزمین نیاخاکی یک زبان میباشد، تهیه شده در زبان خودشان دسترسی داشته و آنها را کسب نمایند، چه این چنین مدارکی چاپی، قابل خواندن با ماشین و یا در هر فرم دیگری بوده باشد.

۲- فرمها و اسناد اداری استاندارد، چه در شکل چاپی و چه در شکل قابل خواندن توسط ماشینها و یا به هر فرم دیگر، باید به همه زبانها تهیه شده و در محلهای قابل دسترسی برای عموم و استفاده آنها قرار گیرند. این خدمت باید توسط مقامات دولتی به شکلی انجام پذیرد که همه سرزمینهایی را که برای یک زبان، سرزمین خاص زبانی (نیاخاکی) شمرده میشوند تحت پوشش قرار دهد.

ماده ۱۸

۱- همه جمعیتهای زبانی حق دارند که قوانین و دیگر ملاحظات قانونی که به نحوی به آنها مربوط میشود،



به زبان خاص سرزمینیشان (زبان نیاخاکشان) تهیه و منتشر شوند.

۲- مقامات دولتی که در حوزه حاکمیت خود، دارای بیش از یک زبان خاص سرزمینی (زبان نیاخاکی) تاریخی هستند، میبایست همه قوانین و مقررات دیگر قانونی و حقوقی دارای ماهیت عمومی را، به تک تک این زبانها تهیه و منتشر سازند. فارغ از اینکه متکلمین به هر کدام از این زبانها قادر به فهم زبانهای دیگر باشند و یا نه؛

ماده ۱۹

۱- زبان رسمی همه مجالس نمایندگی، میبایست زبان(های) به طور تاریخی رایج در سرزمینهایی که نمایندگان، نمایندگی آن را بر عهده دارند باشد.

۲- این حق همچنین شامل زبانهای جمعیت‌های زبانی سکنی گزیده در مناطق جغرافی پراکنده که به آنها در بند ۱ پاراگراف چهار اشاره گردید نیز میشود.

ماده ۲۰

۱- هرکس حق دارد زبانی را که به طور تاریخی در یک سرزمین به آن تکلم میشود - هم به شکل شفاهی و هم به شکل نوشتاری - در محاکم و دادگاههای قضائی واقع در آن سرزمین بکار برد. محاکم قضائی باید در امورات داخلی خود، زبان خاص سرزمین (زبان نیاخاکی) را بکار برند و اگر بنا به سیستم حقوقی فعلا موجود در کشور، ضرورتی به ادامه جریان محاکمات در محلی دیگر موجود باشد، میباید به کاربرد زبان اصلی در محل جدید همچنان ادامه داده شود.



۲- هر کس حق دارد که در تمام موارد، به زبانی که آنرا درک میکند و قادر به تکلم به آن است محاکمه شود، همچنین حق دارد که از خدمت مترجمی مجانی بهره مند گردد.

ماده ۲۱

همه جمعیت‌های زبانی حق ثبت و بایگانی مدارک و اسناد به زبان سرزمینی خود (زبان نیاخاکی) توسط محضرهای عمومی را دارا میباشند.

ماده ۲۲

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که مدارک تأیید شده آنها توسط ثبت اسناد، محضرهای عمومی و یا دیگر ماموران صلاحیتدار دولتی، به زبان خاص سرزمین (زبان نیاخاکی) محل خدمت ماموران دولتی و یا محضرهای عمومی تهیه و تنظیم شوند.

بخش دوم: تحصیل

ماده ۲۳

- ۱- آموزش و تحصیل میبایست در سرزمینی که در آن عرضه میگردد، به تشویق افاده فرهنگی خود از سوی جمعیت زبانی، کمک نماید.
- ۲- آموزش و تحصیل میبایست در سرزمینی که عرضه میشود، به حفظ و توسعه زبانی که یک جمعیت زبانی به آن سخن میگوید یاری رساند.
- ۳- آموزش و تحصیل همواره میبایست در خدمت تکثر



و تنوع زبانی و فرهنگی و روابط آهنگدار بین جمعیت‌های زبانی گوناگون در سراسر جهان باشد.

۴- در بستر اصول پیش گفته، هر کس حق دارد که هر زبانی را بیاموزد.

ماده ۲۴

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند در باره گستره حضور زبانشان، به عنوان زبان رابط و به عنوان زبان مورد مطالعه، در تمام سطوح تحصیلی در سرزمین خود (پیش دبستانی، ابتدائی، متوسطه، حرفه ای و فنی، دانشگاهی و آموزش بزرگسالان) تصمیم بگیرند.

ماده ۲۵

همه جمعیت‌های زبانی از حق دستیابی و کاربرد همه منابع انسانی و مادی لازم برای تضمین نمودن حضور زبانشان در همه سطوح تحصیلی در نیاخاک خود، از قبیل آموزگاران ورزیده، روشهای آموزشی مناسب، کتب و متون درسی، منابع مالی، تجهیزات و ساختمانها، تکنولوژی های سنتی و مدرن و در وسعتی که خواهان آنند برخوردار میباشند.

ماده ۲۶

همه جمعیت‌های زبانی محق اند از تحصیلی که اعضای آن جامعه را قادر به تسلط کامل در کاربرد زبانشان سازد، شامل توانائیهای مختلف مربوط به همه محیطهای روزمره کاربرد زبان، همچنین گسترده ترین تسلط ممکنه به هر زبان دیگری که خواهان یادگیری آن باشند، برخوردار شوند.



ماده ۲۷

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند از تحصیلی که اعضای آن جمعیت را قادر به کسب دانش هر زبانی که مربوط به سنن فرهنگی‌شان بوده باشد برخوردار شوند؛ مانند زبانهای ادبی و یا زبانهای مقدس که سابقاً زبانهای معمول آن جمعیت بوده‌اند.

ماده ۲۸

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که از تحصیلی که اعضای آن جمعیت را به دستیابی به آگاهی همه جانبه در باره میراث فرهنگی خود (تاریخ، جغرافیا، ادبیات، و دیگر نموده‌های فرهنگی‌شان) قادر سازد برخوردار شوند. همچنین محق‌اند که از گسترده‌ترین آگاهی ممکنه در باره هر فرهنگ دیگری که خواهان دانستن آن باشند بهره‌مند شوند.

ماده ۲۹

۱- هر کس محق است که از تحصیل و آموزش به زبان خاص سرزمین خود که در آنجا ساکن است (زبان نیاخاکی) برخوردار گردد.

۲- این حق، حق کسب دانش گفتاری و نوشتاری زبانی دیگر را که شخص ممکن است به عنوان ابزار ارتباط با دیگر جمعیت‌های زبانی بکار برد، نفی و سلب نمیکند.

ماده ۳۰

زبان و فرهنگ همه جمعیت‌های زبانی میبایست که موضوع مطالعه و تحقیقات علمی در سطح دانشگاهی قرار گیرند.



بخش سوم: نامهای شخصی

ماده ۳۱

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که سیستم نامهای شخصی خویش را در همه محیطها و در همه مناسبتها حفظ نموده و آنها را بکار برند.

ماده ۳۲

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که نامهای محل و مکان به زبان خاص سرزمینی خود را (زبان نیاخاکی)، هم به صورت شفاهی و هم به صورت کتبی، در محیطهای خصوصی، عمومی و رسمی بکار برند.

۲- همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که نامهای بومی محلها و مکانها را تثبیت و حفظ نموده، در آنها اصلاحاتی اعمال نمایند. همچو نامهای امکانه را نمیتوان به طور کیفی موقوف و منسوخ نمود و یا تحریف و جرح و تعدیل کرد. همچنین نمیتوان اینگونه نامها را پس از تغییرات سیاسی و یا هر گونه دگرگونی حادثه دیگر، تغییر داد.

ماده ۳۳

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که جمعیت خود را به همان نامی که در زبان خودشان بکار میبرند بنامند. هرگونه ترجمه به زبانهای دیگر میبایست از نامگذاریهای تحقیر آمیز و ابهام انگیز اجتناب نماید.

بند ۳۴

هر کس حق دارد که نام خود را در همه محیطها به



زبان خویش بکار برد. و همچنین حق دارد که نامش، اگر لزومی به بکاربردن سیستم نوشتاری متفاوت با زبان وی وجود داشته باشد، با لحاظ دقیقترین آوانگاری ممکن ثبت گردد.

بخش چهارم: رسانه های ارتباطی و تکنولوژیهای جدید

ماده ۳۵

همه جمعیت‌های زبانی از این حق برخوردارند که در باره درجه حضور زبانشان در رسانه های ارتباطی در سرزمین خود (نیاخاک خود)، بدون در نظر گرفتن متد پخش و یا انتقال تولیدات آنها تصمیم بگیرند. چه این رسانه ها محلی و یا سنتی، چه رسانه های دارای شمول گسترده تر و چه رسانه هایی که از تکنولوژیهای پیشرفته تر استفاده میکنند باشند.

ماده ۳۶

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که به همه منابع مادی و انسانی لازم برای تضمین نمودن درجه مطلوبی از حضور زبان خویش و درجه مطلوبی از افاده فرهنگی خودشان در رسانه های ارتباطی در سرزمین خود؛ و از پرسنل ورزیده، منابع مالی، ساختمانها و تجهیزات، تکنولوژیهای سنتی و مدرن دسترسی داشته باشند.

ماده ۳۷

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که از طریق رسانه های



ارتباطی آگاهی کاملی در باره میراث فرهنگی خویش (تاریخ، جغرافیا، ادبیات، و دیگر نمودهای فرهنگ شان)، همچنین حداکثر اطلاعات ممکنه در باره هر فرهنگ دیگری که اعضای آن جمعیت، خواستار دانستن آن باشند را دریافت نمایند.

ماده ۳۸

زبانها و فرهنگهای همه جمعیتهای زبانی در سراسر جهان، میبایست در رسانه های ارتباطی از معامله و برخوردی برابر و غیر تبعیض آمیز بهره مند شوند.

ماده ۳۹

جمعیتهای توصیف شده در ماده ۱، پاراگراف ۳ و ۴ این اعلامیه و گروههای ذکر شده در پاراگراف ۵ همان ماده، از حق برابر تمثیل زبانشان در رسانه های ارتباطی سرزمینی که در آن ساکنند و یا به آنجا مهاجرت مینمایند برخوردارند. این حق باید در هماهنگی با حقوق دیگر گروهها و جمعیتهای زبانی ساکن در آن سرزمین اعمال گردد.

ماده ۴۰

در عرصه تکنولوژی اطلاعاتی، همه جمعیتهای زبانی حق دارند که به تجهیزات تطبیق داده شده با سیستم زبانشان و به ابزار آلات و محصولات تهیه شده در زبان خودشان دسترسی داشته باشند. به نحوی که بتوانند از همه امکانات و پتانسیلهای ممکنه توسط چنین تکنولوژیهایی برای افاده خود، برای تحصیل، در ارتباطات، انتشارات،



ترجمه و پروسسینگ اطلاعاتی و پخش و کلا تبلیغ فرهنگشان حداکثر بهره برداری را بنمایند.

بخش پنجم: فرهنگ

ماده ۴۱

۱- همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که زبان خویش را در همه فرم‌های افاده فرهنگی بکار برده، آنرا حفظ نموده و توسعه دهند.

۲- همه جمعیت‌های زبانی میبایست بتوانند حق مذکور را تمام و کمال اعمال نمایند، بی آنکه محیط آن جمعیت به اشغال سلطه گرایانه فرهنگی بیگانه معروض شود.

ماده ۴۲

همه جمعیت‌های زبانی از حق رشد و توسعه تمام و کامل در داخل محیط فرهنگی خود برخوردارند.

ماده ۴۳

همه جمعیت‌های زبانی از حق دستیابی به آثار آفریده شده به زبان خود برخوردار میباشند.

ماده ۴۴

همه جمعیت‌های زبانی محق اند که به برنامه های بین فرهنگها، از طریق پخش اطلاعات کافی دسترسی داشته باشند. همچنین حق دارند که از فعالیتهایی مانند آموزش زبانشان به خارجیان، ترجمه، دوبلاژ، پست سنکرونیزاسیون و زیرنویسی حمایت نمایند.



ماده ۴۵

همه جمعیت‌های زبانی از این حق برخوردارند که زبان خاص سرزمینیشان (زبان نیاخاکیشان) جایگاه ممتازی را در رویدادها و خدمات فرهنگی (کتابخانه‌ها، کلوب‌های ویدئویی، سینماها، تئاترها، موزه‌ها، آرشیوها، فرهنگ عامه، صنایع فرهنگی و در همه دیگر نمودهای حیات فرهنگی) اشغال نماید.

ماده ۴۶

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که میراث زبانی و فرهنگی خویش را، شامل نمودهای مادی آن مانند مجموعه‌های اسناد، آثار هنری و معماری، ابنیه تاریخی و متون نوشته شده به زبان خود را محافظه نمایند.

بخش ششم: محیط اجتماعی-اقتصادی

ماده ۴۷

- ۱- همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که کاربرد زبان خویش در همه فعالیت‌های اجتماعی-اقتصادی در سرزمین‌های خود را نهادینه نمایند
- ۲- همه اعضای جمعیت‌های زبانی محق اند که برای اجرای فعالیت‌های حرفه‌ای خود، به همه وسائط ضروری تهیه شده به زبانشان، مانند اسناد و کارهای مرجع، دستورالعملها، فرمها و تجهیزات کامپیوتری، ابزارآلات و تولیدات دسترسی داشته باشند.
- ۳- استفاده از زبانهای دیگر در این محیط، تنها در



صورتی میتواند مورد احتیاج باشد که طبیعت فعالیت حرفه ای نیاز به آنرا موجه سازد. به همه حال در هیچ شرایطی زبان تازه واردتر، نمیتواند موقعیت زبان نیاخاکی را تنزل داده و یا جانشین استفاده از آن گردد.

ماده ۴۸

۱- در درون سرزمین جمعیت زبانی خویش، هر کس حق دارد که زبان خود را با اعتبار قانونی کامل در همه معاملات اقتصادی از هر جنس، مانند خرید و فروش کالاها و خدمات، بانکداری، بیمه، قراردادهای شغلی و غیره بکار برد.

۲- هیچ ماده‌ی از اینگونه مقررات و عقدهای خصوصی، نمیتواند کاربرد زبان خاص سرزمین (زبان نیاخاکی) را محدود و یا ممنوع سازد.

۳- در داخل سرزمین یک جمعیت زبانی، هر کس محق شمرده میشود که به همه اسناد لازم برای انجام عملیات فوق الذکر، تهیه شده به زبان خویش دسترسی داشته باشد. اینچنین اسنادی شامل فرمها، چکها، قراردادهای رسیده، صورت حسابها، سفارشاتها، دریافت نامه ها و غیره میشود.

ماده ۴۹

در داخل سرزمین هر جمعیت زبانی، هر شخص حق دارد که زبان خویش را در انواع سازمانهای اجتماعی-اقتصادی مانند تشکیلات اتحادیه ای و سندیکاها، کارگری، انجمنهای حرفه ای، کارفرمایان، اصناف و بازرگانی بکار برد.



ماده ۵۰

۱- همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که زبانشان از جایگاهی ممتاز در تبلیغات، آگهیها، تابلوها، علائم و نشانگاههای بیرونی و به عنوان یک کل در چهره کشور برخوردار باشد.

۲- در داخل سرزمین جمعیت زبانی، هر کس حق دارد به اطلاعات تمام و کامل شفاهی و نوشتاری تهیه شده به زبان خود در باره کالاها و خدمات عرضه شده توسط موسسات بازرگانی، از جمله به نحوه استفاده، اتیکتها، لیست های مواد سازنده، تبلیغات و آگهیها، ضمانت نامه ها و غیره دستیابی داشته باشد.

۳- همه علائم و نشانه های عمومی که تاثیر گذار بر سلامتی اشخاصند، به قید آن که پستتر از نشانه های مربوط به زبانهای دیگر نباشند، میبایست که اقلا به زبان خاص سرزمین (زبان نیاخاکی) تهیه شوند.

ماده ۵۱

۱- همه کس حق دارد زبان خاص سرزمین خود را در ارتباط با شرکتهای و موسسات بازرگانی و نهادهای خصوصی بکار برد و به همان زبان پاسخ و یا خدمت دریافت دارد.

۲- هر کس حق دارد به عنوان یک مشتری، مصرف کننده، خریدار و یا استفاده کننده، از موسسات عمومی، اطلاعات شفاهی و نوشتاری تهیه شده به زبان خاص سرزمین خود را (زبان نیاخاکی) دریافت دارند.



ماده ۵۲

هر کس حق دارد تمام فعالیتهای حرفه ای خویش را به زبان خاص سرزمین خود (زبان نیاخاکی) به انجام رساند. مگر آنکه طبیعت شغلش کاربرد زبانهای دیگری را الزامی سازد، مانند معلمین زبانهای خارجی، مترجمین و یا راهنمایان توریستی.

ملاحظات اضافی

نخست

مقامات دولتی میباید تمام گامهای لازم برای تحقق و جاری شدن حقوق مندرجه در این اعلامیه را در محدوده حوزه صلاحیتهای خویش بردارند. به طور مشخص تر، برای تشویق نمودن تحقق حقوق زبانی جمعیتهایی که آشکارا از جنبه منابع مالی در مضیقه میباشند، میبایست منابع مالی بین المللی تدارک دیده شوند. بنابراین، مقامات دولتی میبایست حمایت لازمه برای استانداردیزه شدن، ترجمه، آموخته شدن و استفاده از زبانهای جمعیتهای گوناگون تحت اداره خود را فراهم نمایند.

دوم

مقامات عمومی میبایست مطلع شدن نهادهای رسمی، سازمانها و اشخاص مرتبط را با حقوق و وظائف مربوطه ناشی از این اعلامیه، تضمین و تامین نمایند.



سوم

مقامات عمومی میبایست در پرتو سیستم قانونگذاری موجود، مجازات‌هایی قابل اجراء برای هرگونه اخلال در حقوق زبانی تشریح شده در این بیانیه برپادارند.

ملاحظات نهائی

نخست

این اعلامیه بنیانگذاری "شورای زبانها" در بنیه سازمان ملل متحد را توصیه مینماید. مجمع عمومی سازمان ملل متحد عهده دار برپاساختن چنین شورائی، تعریف وظائف آن و انتساب اعضای شورا؛ و همچنین عهده دار ایجاد نهادی در قوانین بین المللی برای حفاظت از جمعیت‌های زبانی در دستیابی و اعمال حقوق خویش که در این اعلامیه شناخته شده اند خواهد بود.

دوم

این اعلامیه تشکیل "کمیسیون جهانی حقوق زبانی" را، نهادی غیر رسمی و مشاوره ای مرکب از نمایندگان سازمانهای غیر دولتی و دیگر تشکیلات فعال در زمینه قوانین زبانی، توصیه و تشویق مینماید.

(بارسلون / ژوئن)



اعلامیه ی
جهانی
حقوق
زبانیه

۱۰ دسامبر ۱۹۴۸

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر یک پیمان بین‌المللی است که در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده و شامل ۳۰ ماده است که به تشریح دیدگاه سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر می‌پردازد. مفاد این اعلامیه حقوق بنیادی مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی‌ای را که تمامی انبای بشر در هر کشوری باید از آن برخوردار باشند، مشخص کرده‌است.

مفاد این اعلامیه از نظر بسیاری از پژوهشگران الزام‌آور بوده و از اعتبار حقوق بین‌الملل برخوردارست، زیرا به صورت گسترده‌ای پذیرفته شده و برای سنجش رفتار کشورها به کار می‌رود.

کشورهای تازه استقلال یافته‌ی زیادی به مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر استناد کرده و آن را در قوانین بنیادی یا قانون اساسی خود گنجانده‌اند.



تاریخچه

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، سه سال پس از تأسیس سازمان ملل متحد، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را تصویب کرد و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، که هدف آن برقراری تضمین حقوق و آزادی‌های برابر برای همه مردم [۱] بود در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب رسید، روزی که اینک در سراسر جهان به عنوان روز بین‌المللی حقوق بشر گرامی داشته می‌شود.

پروتکل‌های اختیاری

نوشتار اصلی: میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

نوشتار اصلی: میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

اعلامیه جهانی حقوق بشر همراه با دو میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حقوق مدنی و سیاسی مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر را تشکیل می‌دهند.

ترجمه‌ها

بنا به گزارش کتاب رکوردهای گینس، اعلامیه جهانی حقوق بشر رکورد بیشترین ترجمه را در بین مکتوبات در طول تاریخ به خود اختصاص داده‌است.



متن اعلامیه

د بیاجه

از آن جا که شناسایی حیثیت و کرامت ذاتی تمام اعضای خانواده بشری و حقوق برابر و سلب ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان است؛

از آن جا که نادیده گرفتن و تحقیر حقوق بشر به اقدامات وحشیانه ای انجامیده که وجدان بشر را برآشفته‌اند و پیدایش جهانی که در آن افراد بشر در بیان و عقیده آزاد، و از ترس و فقر فارغ باشند، عالی‌ترین آرزوی بشر اعلام شده است؛

از آن جا که ضروری است که از حقوق بشر با حاکمیت قانون حمایت شود تا انسان به عنوان آخرین چاره به طغیان بر ضد بیداد و ستم مجبور نگردد؛ از آن جا که گسترش روابط دوستانه میان ملت‌ها باید تشویق شود؛

از آن جا که مردمان ملل متحد، ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و حیثیت و کرامت و ارزش فرد انسان و برابری حقوق مردان و زنان، دوباره در منشور ملل متحد اعلام و عزم خود را جزم کرده‌اند که به پیشرفت اجتماعی یاری رسانند و بهترین اوضاع زندگی را در پرتو آزادی فزاینده به وجود آورند؛

از آن جا که دولت‌های عضو متحد شده‌اند که رعایت جهانی و موثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تضمین کنند؛



از آن جا که برداشت مشترک در مورد این حقوق و آزادی‌ها برای اجرای کامل این تعهد کمال اهمیت را دارد؛

مجمع عمومی این اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترک تمام مردمان و ملت‌ها اعلام می‌کند تا همه افراد و تمام نهادهای جامعه این اعلامیه را همواره در نظر داشته باشند و بکوشند که به یاری آموزش و پرورش، رعایت این حقوق و آزادی‌ها را گسترش دهند و با تدابیر فزاینده ملی و بین‌المللی، شناسایی و اجرای جهانی و موثر آن‌ها را چه در میان مردمان کشورهای عضو و چه در میان مردم سرزمین‌هایی که در قلمرو آن‌ها هستند، تامین کنند.

ماده ۱

تمام افراد بشر آزاد زاده می‌شوند و از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق با هم برابرند. همگی دارای عقل و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روحیه ای برادرانه رفتار کنند.

ماده ۲

هر کس می‌تواند بی هیچ گونه تمایزی، به ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده و سیاسی یا هر عقیده دیگر، و همچنین منشا ملی یا اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر وضعیت دیگر، از تمام حقوق و همه آزادی‌های ذکر شده در این اعلامیه بهره مند گردد. به علاوه نباید هیچ تبعیضی به عمل آید که مبتنی بر وضع سیاسی، قضایی یا بین‌المللی کشور یا سرزمینی



باشد که شخص به آن تعلق دارد، خواه این کشور یا سرزمین مستقل، تحت قیمومت یا غیر خودمختار باشد، یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد.

ماده ۳

هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.

ماده ۴

هیچ کس را نباید در بردگی یا بندگی نگاه داشت. بردگی و دادوستد بردگان به هر شکلی که باشد، ممنوع است.

ماده ۵

هیچ کس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات یا رفتاری ظالمانه، ضد انسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد.

ماده ۶

هر کس حق دارد که شخصیت حقوقی اش در همه جا به رسمیت شناخته شود.

ماده ۷

همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بی هیچ تبعیضی از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد، و بر ضد هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، از حمایت یکسان قانون بهره مند گردند.



ماده ۸

در برابر اعمالی که به حقوق اساسی فرد تجاوز کنند - حقوقی که قانون اساسی یا قوانین دیگر برای او به رسمیت شناخته است - هر شخصی حق مراجعه موثر به دادگاه‌های ملی صالح را دارد.

ماده ۹

هیچ کس را نباید خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید کرد.

ماده ۱۰

هر شخص با مساوات کامل حق دارد که دعایش در دادگاهی مستقل و بی طرف، منصفانه و علنی رسیدگی شود و چنین دادگاهی در باره حقوق و الزامات وی، یا هر اتهام جزایی که به او زده شده باشد، تصمیم بگیرد.

ماده ۱۱

۱- هر شخصی که به بزهکاری متهم شده باشد، بی گناه محسوب می‌شود تا هنگامی که در جریان محاکمه ای علنی که در آن تمام تضمین‌های لازم برای دفاع او تامین شده باشد، مجرم بودن وی به طور قانونی محرز گردد.

۲- هیچ کس برای انجام دادن یا انجام ندادن عملی که در موقع ارتکاب آن، به موجب حقوق ملی یا بین المللی جرم شناخته نمی‌شده است، محکوم نخواهد شد. همچنین هیچ مجازاتی شدیدتر از مجازاتی که



در موقع ارتکاب جرم به آن تعلق می‌گرفت، درباره کسی اعمال نخواهد شد.

ماده ۱۲

نباید در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامت گاه یا مکاتبات هیچ کس مداخله‌های خودسرانه صورت گیرد یا به شرافت و آبرو و شهرت کسی حمله شود. در برابر چنین مداخله‌ها و حمله‌هایی، برخورداری از حمایت قانون، حق هر شخصی است.

ماده ۱۳

۱- هر شخصی حق دارد در داخل هر کشور آزادانه رفت و آمد کند و اقامتگاه خود را برگزیند.
۲- هر شخصی حق دارد هر کشوری، از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خویش بازگردد.

ماده ۱۴

۱- در برابر شکنجه، تعقیب و آزار، هر شخصی حق درخواست پناهندگی و برخورداری از پناهندگی در کشورهای دیگر را دارد.
۲- در موردی که تعقیب واقعا در اثر جرم عمومی و غیرسیاسی یا در اثر اعمالی مخالف با هدف‌ها و اصول ملل متحد باشد، نمی‌توان به این حق استناد کرد.

ماده ۱۵

۱- هر فردی حق دارد که تابعیتی داشته باشد.
۲- هیچ کس را نباید خودسرانه از تابعیت خویش، یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد.



ماده ۱۶

۱- هر مرد و زن بالغی حق دارند بی هیچ محدودیتی از حیث نژاد، ملیت، یا دین با همدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده بدهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در امور مربوط به ازدواج حقوق برابر دارند.

۲- ازدواج حتما باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد صورت گیرد.

۳- خانواده رکن طبیعی و اساسی جامعه است و باید از حمایت جامعه و دولت بهره مند شود.

ماده ۱۷

۱- هر شخصی به تنهایی یا به صورت جمعی حق مالکیت دارد.

۲- هیچ کس را نباید خودسرانه از حق مالکیت محروم کرد.

ماده ۱۸

هر شخصی حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و دین بهره مند شود. این حق مستلزم آزادی تغییر دین یا اعتقاد و همچنین آزادی اظهار دین یا اعتقاد، در قالب آموزش دینی، عبادت‌ها و اجرای آیین‌ها و مراسم دینی به تنهایی یا به صورت جمعی، به طور خصوصی یا عمومی است.



ماده ۱۹

هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد و این حق، مستلزم آن است که کسی از داشتن عقاید خود بیم و نگرانی نداشته باشد و در کسب و دریافت و انتشار اطلاعات و افکار، به تمام وسایل ممکن، و بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد.

ماده ۲۰

۱- هر شخصی حق دارد از آزادی تشکیل اجتماعات، مجامع و انجمن‌های مسالمت آمیز بهره مند گردد.
۲- هیچ کس را نباید به شرکت در هیچ اجتماعی مجبور کرد.

ماده ۲۱

۱- هر شخصی حق دارد که در اداره امور عمومی کشور خود، مستقیماً یا به وساطت نمایندگان که آزادانه انتخاب شده باشند، شرکت جوید.
۲- هر شخصی حق دارد با شرایط برابر به مشاغل عمومی کشور خود دست یابد.

ماده ۲۲

هر شخصی به عنوان عضو جامعه، حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به یاری مساعی ملی و همکاری بین المللی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ضروری برای حفظ حیثیت و کرامت و رشد آزادانه شخصیت خود را، با توجه به تشکیلات و منابع هر کشور، به دست آورد.



ماده ۲۳

۱- هر شخصی حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه برگزیند، شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خواستار باشد و در برابر بیکاری حمایت شود.

۲- همه حق دارند که بی هیچ تبعیضی، در مقابل کار مساوی، مزد مساوی بگیرند.

۳- هر کسی که کار می کند حق دارد مزد منصفانه و رضایت بخشی دریافت دارد که زندگی او و خانواده اش را موافق حیثیت و کرامت انسانی تامین کند و در صورت لزوم با دیگر وسایل حمایت اجتماعی کامل شود.

۴- هر شخصی حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و یا به اتحادیه های موجود بپیوندد.

ماده ۲۴

هر شخی حق استراحت، فراغت و تفریح دارد و به ویژه باید از محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی ها و تعطیلات ادواری با دریافت حقوق بهره مند شود.

ماده ۲۵

۱- هر شخصی حق دارد که از سطح زندگی مناسب برای تامین سلامتی و رفاه خود و خانواده اش، به ویژه از حیث خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری برخوردار شود. همچنین



حق دارد که در مواقع بیکاری، بیماری، نقص عضو، بیوگی، پیری یا در تمام موارد دیگری که به علی مستقل از اراده خویش وسایل امرار معاشش را از دست داده باشد، از تامین اجتماعی بهره مند گردد.

۲- مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت ویژه برخوردار شوند. همه کودکان، اعم از آن که در پی ازدواج یا بی ازدواج زاده شده باشند، حق دارند که از حمایت اجتماعی یکسان بهره مند گردند.

ماده ۲۶

۱- هر شخصی حق دارد که از آموزش و پرورش بهره مند شود. آموزش و پرورش، و دست کم آموزش ابتدایی و پایه، باید رایگان باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش فنی و حرفه ای باید همگانی شود و دست یابی به آموزش عالی باید با تساوی کامل برای همه امکان پذیر باشد تا هرکس بتواند بنا به استعداد خود از آن بهره مند گردد.

۲- هدف آموزش و پرورش باید شکوفایی همه جانبه شخصیت انسان و تقویت رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. آموزش و پرورش باید به گسترش حسن تفاهم، دگرپذیری و دوستی میان تمام ملت‌ها و تمام گروه‌های نژادی یا دینی و نیز به گسترش فعالیت‌های ملل متحد در راه حفظ صلح یاری رساند.

۳- پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش برای فرزندان خود، بر دیگران حق تقدم دارند.



ماده ۲۷

- ۱- هر شخصی حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع، سهمیم و شریک گردد و از هنرها و به ویژه از پیشرفت علمی و فواید آن بهره مند شود.
- ۲- هرکس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی، ادبی یا هنری خود برخوردار گردد.

ماده ۲۸

- هر شخصی حق دارد خواستار برقراری نظامی در عرصه اجتماعی و بین المللی باشد که حقوق و آزادی‌های ذکرشده در این اعلامیه را، به تمامی تأمین و عملی سازد.

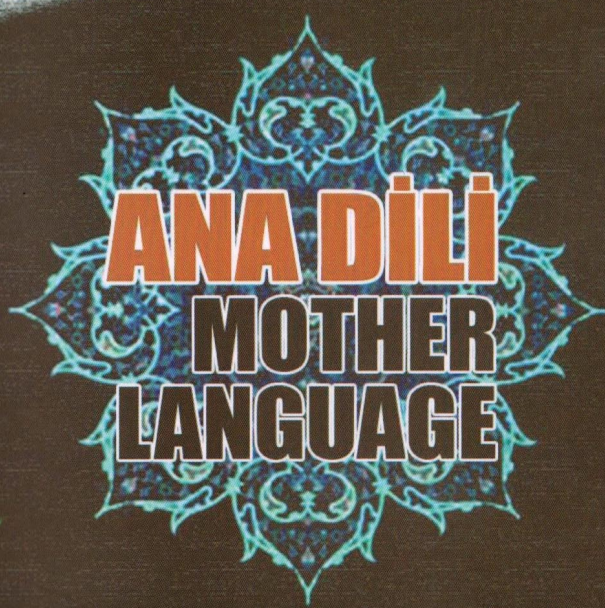
ماده ۲۹

- ۱- هر فردی فقط در برابر آن جامعه ای وظایفی برعهده دارد که رشد آزادانه و همه جانبه او را ممکن می‌سازد.
- ۲- هرکس در اعمال حقوق و بهره گیری از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی قانونی است که صرفاً برای شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات عادلانه اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در جامعه ای دموکراتیک وضع شده اند.
- ۳- این حقوق و آزادی‌ها در هیچ موردی نباید بر خلاف هدف‌ها و اصول ملل متحد اعمال شوند.



ماده ۳۰

هیچیک از مقررات اعلامیهء حاضر نباید چنان تفسیر شود که برای هیچ دولت، جمعیت یا فردی متضمن حقی باشد که به موجب آن برای از بین بردن حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه فعالیتی انجام دهد یا به عملی دست بزند.



ANA DİLİ
MOTHER
LANGUAGE